

بررسی عملکرد تعاونی های تولید در کشاورزی ایران*

بیژن باصری^۱

حسین صادقی^۲

غلامرضا خاکسار^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۴/۷

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۹/۳۰

چکیده

هدف مطالعه حاضر، شناسایی و تحلیل نقش تعاونی های تولید بر توسعه روستایی در ایران در استانهای فارس، خراسان (رضوی، شمالی و جنوبی)، همدان، سمنان و گلستان از جنبه های اقتصادی و اجتماعی می باشد. به منظور اثربخشی نقش تعاونی های تولید روستایی در کمک به شرایط اقتصادی و اجتماعی اعضا، شناخت اثرات اقتصادی آنها در قالب متغیرهای اقتصادی نظیر بازدهی عوامل تولید، اثر بخشی بر سطح تولید و درآمد خانوار، میزان احیای اراضی، امکان ایجاد صنایع تبدیلی، استفاده از تکنولوژی جدید در قالب ماشین آلات و همچنین شناخت آثار اجتماعی آنها از طریق ارزشیابی میزان رضایت و مشارکت اعضا، وضعیت مهاجرت، رشد آگاهی، بهبود در رفاه اجتماعی اعضا، تقسیم کار و تخصص گرایی و بهره مندی از دوره های آموزشی در شرکت های تعاونی تولید ضرورت دارد. بدین منظور با استفاده از روش نمونه گیری طبقه ای سهمیه ای و به صورت تصادفی از بین اعضای تعاونی های تولید استانهای مذکور، نمونه ای به حجم ۲۱۲ تعاونی انتخاب و تجزیه و تحلیل داده ها به صورت توصیفی و استنباطی استخراج گردید. نتایج نشان می دهد که تعاونی های تولید در کاهش میزان مهاجرت، افزایش مشارکت در امور تولیدی و اجتماعی، جذب نیروی کار خارج از خانوار و تغییر نگرش از نگاه سنتی به کشاورزی به نگاه تجاری در بین اعضا و افزایش خودآگاهی اجتماعی، نقش مؤثری داشته اند.

واژگان کلیدی: تعاونی های تولید، مهاجرت، رضایت شغلی، مشارکت در تولید

طبقه بندی JEL: J54, J61, B25, D73

* از خانم فلوریا محمدی دانشجوی دکترای توسعه کشاورزی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی به خاطر اظهار نظرهای سازنده شان تشکر می شود

bbaseri@gmail.com

sadeghih@modares.ac.ir

khaksar@modares.ac.ir

۱. استادیار دانشکده اقتصاد و حسابداری واحد تهران مرکز

۲. استادیار علوم اقتصادی دانشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

۳. کارشناس ارشد اقتصاد

۱. مقدمه

امروزه توجه ویژه به امنیت غذایی و وابستگی بخش مهمی از جمعیت به تولیدات کشاورزی و فعالیتهای وابسته به آن، ضرورت توجه به نهادهای مرتبط با نظام های بهره برداری و تولیدات روستایی را بیش از پیش ضروری ساخته است. توسعه روستایی از یک سو، در بهبود بخشیدن به تغییر ساختار سنتی تولید و از سوی دیگر، به منظور نوسازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق روستایی و ارتقای سطح زندگی آنان، دارای اهمیت وافری است. یکی از مهمترین مولفه های توسعه روستایی، بهبود کارآیی در فعالیت های کشاورزی است. نرخ بالای وابستگی درآمدی روستاییان به فعالیت های کشاورزی و تولیدات جانبی آن، توجه به توسعه کشاورزی را به عنوان یکی از مؤلفه های مؤثر بر توسعه روستایی در کشور ضروری ساخته است.

کوچکی واحدهای دهقانی، پراکندگی اراضی زراعی، عدم صرفه اقتصادی، سطح بالای ریسک تولید، مخاطرات مربوط به خرد شدن مستمر اراضی، وجود کاستی های قانونی و مشکلات فرهنگی در یکپارچه سازی اراضی، از مهمترین موانع موجود توسعه کشاورزی در ایران است. نتایج حاصل از این وضعیت، موجب اتلاف منابع ارزشمند، استفاده نامناسب از مکانیزاسیون و فناوریهای نوین، کاهش درآمد کشاورزان، تشدید مهاجرت، عدم توازن میان رشد فعالیت های بخش کشاورزی و نیازهای غذایی جمعیت و نهایتاً حضور ضعیف بخش کشاورزی در بازار های بین المللی می شود.

تعاونی ها به عنوان نهادهایی برخاسته از متن اجتماعی جامعه، نقش انکارناپذیری در توسعه اقتصادی روستایی داشته و منبع مشارکت و تحرک بخشی نیروی انسانی در نیل به توسعه درونزا و پیشبرد فعالیت اقتصادی و اجتماعی بوده اند. در گذشته، انتظار از تعاونی ها در کشورهای در حال توسعه، عمدتاً معطوف به خواست دولتمردان و هدف از ایجاد تعاونی ها به شکلی دستوری و برونزا بوده است. در ایران تعاونی ها به این شکل رشد و تکوین یافته اند.

با توجه به اینکه تعاونی تولید اثرات مهمی را از جنبه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر اعضاء و مناطق تحت نفوذ خود بر جا می گذارند، این نهادها می توانند با تأثیر در امکانات کشاورزان توان تولید آنها را افزایش داده به گونه ای که بتوانند با بازدهی بیشتر و هزینه کمتر محصولات خود را تولید و با قیمتی مطلوب تر، آنها را به فروش برسانند.

تعاونی به عنوان نوعی نظام بهره برداری، از جایگاه ویژه ای در اقتصاد کشاورزی کشورهای آسیایی و اروپایی برخوردار بوده اند. وجود اطلاعات ناقص، ناهمگون بودن بازارها، ضعف در زیرساخت های اقتصادی و ارتباطی، چالش در نظامهای قانونی، ناسازگاری میان نظامهای مرسوم بهره برداری و قانونی حق مالکیت، شیوه های نامناسب و ناکارآمد را در فعالیت های کشاورزی این کشورها شکل داده است. این اعتقاد وجود دارد که تعاونی های تولید روستایی به عنوان شکل جدید

سازماندهی تولید و با توجه به اصلاح درونی ساختار، می‌توانند زمینه مشارکت را بر اساس بازارهای کارآمد و استفاده موثر از نهاده‌های تولید تأمین نمایند (Arnott, Stiglitz, 1988).

الگوی صحیح زمین‌داری و کشت، سیستم مناسب آبرسانی، کمک به تأمین اعتبار، اصلاح در الگوهای کشت و یکپارچه سازی اراضی و رسیدن به بهبود پارتویی، از نتایج شکل‌گیری این نهاد است. تأثیر این نهادها بر تخصیص و توزیع منابع و چگونگی کارکرد آنها، تابع حقوق مالکیت، نظام‌های اجاره‌داری زمین، تعهدات متقابل بین افراد و سایر نظام‌های مبادلاتی است که به شکل قراردادهای ضمنی یا هنجارهای اجتماعی تعیین می‌شود (Coase, 1960).

هدف مقاله حاضر، ارزیابی ویژگی‌های اعضای تعاونی‌های تولید و بهره‌برداران غیر عضو از نظر مهاجرت، رضایت شغلی و مشارکت در تولید در استانهای فارس، خراسان (رضوی، شمالی و جنوبی)، همدان، سمنان و گلستان می‌باشد. نقش تعاونی‌ها بر آهنگ مهاجرت در اقتصاد روستایی، رضایت از فعالیت و شغل کشاورزی در تعاونی‌های تولیدی در مقایسه با بهره‌برداران غیر عضو، میزان مشارکت در امور تولیدی و اجتماعی، تأثیر بر سطح زندگی اعضا، انجام کار برای دیگران و رونق بخشیدن به تحرک در بازار کار، استفاده از نیروی کار دیگران (خارج از خانوار) در مقایسه با بهره‌برداران غیر عضو و تغییر نگاه به فعالیت کشاورزی - از فعالیت‌های سنتی به مدرن - از محورهای مهم این مطالعه می‌باشد که در قالب شاخص‌های آماری، مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است.

۲. وضعیت موجود تعاونی‌های تولید روستایی در ایران

سابقه فعالیت تعاونی‌ها و همیاری‌های سنتی در ایران طولانی است. اما تشکیل شرکتهای تعاونی مدرن در سال ۱۳۰۳ با تصویب قانون تجارت شکل گرفته است. از نظر روند تاریخی، ابتدا تعاونی‌های مصرف و به شکل تعاونی‌های مصرف کارکنان اداری تشکیل شده است. زمینه و ریشه تشکیل تعاونی‌های تولید را باید در اصلاحات ارضی جستجو نمود. خریدن اراضی زراعی و پراکندگی در تولید محصولات از نتایج اصلاحات ارضی است که رهاسازی بهره‌برداران، کاهش سرمایه‌گذاری و از هم گسیختگی مدیریت تولید منجر به افت شدید محصولات کشاورزی گردید. از هم گسیختگی نهادهای جمعی تولید و عدم جایگزینی نهادهای مناسب موجب اتلاف منابع در دسترس و کاهش سطح درآمد بهره‌برداران شد.

ایجاد چنین مشکلاتی موجب شد تا در فضای سیاسی آن دوران اقداماتی اساسی در جهت تمرکز مدیریت بهره‌برداران با مشارکت و نظارت دولت امکان پذیر شود. تحولات جامعه روستایی نیز در شکل‌گیری شیوه‌های نوین سازماندهی تولیدی و روابط حاکم بر آن تأثیر داشت. در این راستا،

دولت تلاش نمود تا با ایجاد شرکتهای سهامی زراعی، شرکتهای تعاونی تولید و کشت و صنعت ها بر مشکلات قطعات کوچک زمین ها و کمبود منابع مالی و سرمایه ای فائق آید. براین اساس، قانون تعاونی تولید و یکپارچه سازی اراضی در حوزه عمل شرکتهای تعاونی تولید روستایی در سال ۱۳۴۹ تصویب شد که اهداف آن یکپارچه سازی اراضی مزروعی کشاورزی، افزایش کارایی در استفاده از منابع محدود و پایه‌ای تولید، احیای اراضی بایر، گسترش صنایع تبدیلی در فعالیتهای مربوط به دام، زراعت و گسترش سایر فعالیتهای سودمند غیر کشاورزی، افزایش درآمد سرانه ساکنان روستاها و مشارکت در رشد مداوم اقتصادی بود. اگر چه در دوره انقلاب و جنگ، تعاونی ها با چالش‌هایی مواجه بوده که سایر بخشهای اقتصادی نیز از آن متأثر شده اند اما در دوره بعد از جنگ و از سال ۱۳۶۸ تحرک جدیدی در ایجاد و توسعه تعاونی های تولید به وجود آمد و در سالهای ۷۵-۱۳۷۴ این روند تشدید شد. در حال حاضر حدود ۹۷۰ تعاونی تولید در سطح کشور مشغول فعالیت اند و بسیاری از آنها به شکل خودگردان اداره می‌شوند.

برخی مطالعات در ایران نشان می‌دهد که شیوه‌های جدید و سازماندهی تولید، آثار و پیامدهای مثبتی بر افزایش تولید، تقسیم کار، افزایش آگاهی اعضای نسبت به سایر بهره‌برداران داشته است. همچنین با توجه به ضرورت توسعه روستایی و الزامات مربوط به آن و با توجه به فضای جدید اقتصاد جهانی، اصلاح ساخت مزارع، سیاست های حمایتی و هدفهای توسعه هماهنگ، تعاونی های تولید به عنوان نقش آفرینان توسعه روستایی، بیش از پیش مطرح گردیده اند. بر این اساس، تعاونی ها مؤسسه‌های مستقلی از اشخاص هستند که به لحاظ اهداف مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته‌اند. اعضای آنها دارای روحیه‌ای مبتنی بر فداکاری بوده و نظارت آنها از طریق رای دادن اعضاء صورت می‌گیرد. برخورداری از استقلال، ارتباط اعضاء با تعاونی، عضویت اختیاری، داشتن نیازهای اقتصادی و اجتماعی مشترک، مالکیت گروهی، نظارت دموکراسی از اصول حاکم بر تعاونی هستند (Taimni, 2001). این تعریف پذیرفته شده قرن ۲۱ در مورد تعاونی هاست که، هم ارزش‌های تعاونی و هم، جهت و اصول تعاونی ها در آن نهفته است. تعاونی ها باید بر مبنای این اصول، حرکت آینده، توسعه فعالیت و سازمان های خود را تنظیم نمایند. این تعریف انعطاف پذیر بوده و انواع مختلف تعاونی ها را با هر درجه و شدتی شامل می‌شود. علاوه بر آن، کیفیت ارائه خدمات تعاونی ها را مشخص می‌کند و ارزش‌های اعضای تعاونی را که در کنفرانس ۱۹۹۵ منچستر مورد تاکید قرار گرفت، نشان می‌دهد (ICAL, 1995). بر اساس آخرین آمار از دفتر امور شرکتهای تعاونی تولید و خرد و دهقانی، تعداد کل شرکتهای تعاونی تولید روستایی در کشور در سال ۱۳۸۶ حدود ۱۰۱۸ شرکت می باشد که در

میان استانهای منتخب، استان فارس با داشتن ۱۶۶ شرکت تعاونی تولید روستایی، بیشترین تعداد و استان سمنان با داشتن ۱۳ شرکت، کمترین تعداد را دارا می باشد. (جدول ۱). به طور کلی شرکت های تعاونی تولید در ۴۸۷۹ روستا حدود ۳/۱ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی را تحت پوشش دارند. متوسط اراضی کشاورزی تحت پوشش هر تعاونی تولیدی ۳۰۵۹ هکتار می باشد. از کل اراضی کشاورزی تحت پوشش تعاونی های تولید، ۱/۷ میلیون هکتار را اراضی آبی، یک میلیون هکتار را اراضی دیم و ۰/۴ میلیون هکتار را باغات تشکیل می دهند.

تعداد اعضای شرکت های تعاونی تولید روستایی در کل کشور ۲/۷ میلیون نفر می باشد که استان فارس با ۴۸۲۵۵ عضو و سهم ۱۷/۷ درصدی از کل تعداد اعضا، بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است. در استان سمنان تنها ۳۳۹۶ نفر عضو تعاونی تولید می باشند که سهم آن از کل اعضای شرکت های تعاونی تولید روستایی ۰/۹ درصد می باشد. به طور متوسط هر تعاونی تولید روستایی در سطح کشور ۲۶۸ نفر عضو دارد. متوسط اعضای هر تعاونی تولید روستایی در استان همدان ۳۳۶ نفر و در استان خراسان شمالی ۳۰۵ نفر می باشد که بیشتر از متوسط کشور می باشد.

۳. سابقه تحقیق

تعاونی‌های تولید از جنبه های اقتصادی و اجتماعی در کمک به فرایند تولید نقش سازنده ای ایفا می کنند. در این زمینه مطالعات مختلف گویای نقش مثبت تعاونی‌های تولید در توسعه روستایی می باشند. برای نمونه، سن (Sen, 1998) هدف تعاونی‌های تولید را حداکثر نمودن تولید سرانه اعضا بر اساس مطلوبیت درآمد و ساعات کار فرد بیان نموده است. در حالی که الینا (۲۰۰۳)، بر نقش تعاونی‌های تولید در شکل گیری توسعه روستایی تأکید دارد، کوز (Coase, 1960) نقش نهادهای روستایی را در قالب ساختارهای نوین و افزایش سطح مشارکت در بازارهای داخلی و خارجی مورد تأکید قرار می دهد. در این راستا، روخات (Rokholt, 1999) و اولیلا (Ollila, 1994) ارتباط متقابل بین اعضا و تبادل اطلاعات را از مزایای تعاونی های تولید می دانند؛ اما آکسلورد (Axolord, 1984) نقش تعاونی های تولید را در افزایش مهارت های مدیریتی در سازمان، تربیت مدیران و بهبود مهارت های مالی عنوان می کند. تایمنی (Taimini, 2000) در بررسی عملکرد تعاونی های تولید در آسیا، تمرکز زدایی در تصمیم گیری را به عنوان یکی از عوامل مؤثر در تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی تعاونی های تولید می داند. در حالی که یونگ کن (Yun kun, 1987) مشارکت متقابل بین اعضا را از مزایای تعاونی های تولید در ژاپن می داند. کرانزل نیز به شکلی

تفصیلی تر (kraenzel, 1989) افزایش مشارکت اعضاء در تعاونی های تولید را منوط به سن، سطح آموزش، عضویت، میزان درآمد و سطح زیر کشت اراضی اعضاء می داند.

برخی مطالعات خارجی، چالش های تعاونی های تولید را مطرح نموده اند. برای نمونه، دومار (۱۹۶۶) در ارزیابی تعاونی های تولید^۱ مهمترین چالش آنان را سهمیه بندی تولید، مداخله دولت در مدیریت اجرایی، کمبود نهاده ها (کودشیمیایی، لوازم یدکی و مواد اولیه) و قیمت کنترل شده تولید می داند. بوگدونوفسکی (۲۰۰۳)^۲ در بررسی تعاونی های تولید در روسیه با بررسی تغییرات سریع در تعاونی های کشاورزی بر مبنای سطح اشتغال، تولید دریافت که سطح سرمایه انسانی این تعاونی ها در خلال دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۲ به صورت قابل توجهی کاهش یافته است. کاهش سطح اشتغال مدیران تحصیل کرده از ۸۶ درصد به ۶۹ درصد در فاصله ۱۹۹۱ تا سالهای ۲۰۰۲ وعدم تمایل افراد جوان به جذب مشاغل مدیریتی در تعاونی های تولید از دیگر پیامدهای تعاونی های تولید بوده است؛ چون این تعاونی ها شرایط مطلوب تولید را به سمت اضمحلال پیش برده اند. گوش (۲۰۰۳)^۳ تعاونی های تولید در هند را با توجه به جهانی شدن اقتصاد و محدودیت درآمد بخش کشاورزی و کاهش حمایت از کشاورزان و رقابت بیشتر در این عرصه تحلیل و بر بازسازی ساختار آنها تأکید نموده است.

کمپ و کینی^۴ (Kemp & Keeney, 2002) نظارت تعاونی بر محصولات تولیدی کشاورزی از تولید تا توزیع در آمریکا را بررسی و برنامه تعاونی های تولید در نظارت بر قیمت، هزینه نهاده های تولید و استفاده کارآمدتر از زمین را تحلیل و برگفتگوی تعاونی ها در زمینه تدوین برنامه های کالایی در سیاست های جدید کشاورزی تمرکز نموده اند. بومن^۵ (۲۰۰۰) برابری و کارایی را در کشاورزی های مبتنی بر قرارداد در انگلستان مطالعه نموده معتقد است قراردادها می تواند در زمینه تعیین مقدار تولید، زمان تولید، عرضه محصول، تهیه منابع تولید، کیفیت توزیع محصولات از طریق تأمین اعتبارات و یا مدیریت تولید که فرایند به کارگیری عامل کار و تولید را تنظیم می کنند، نقش داشته باشد. وی تعاونی ها را شکلی از تولید می داند که در آن تولیدکنندگان، سرمایه گذاری مشترک با بخش خصوصی انجام می دهند. این شیوه تولید، منجر به استفاده از فناوری های جدید در میان زارعان خرده پا می گردد. علاوه بر این، هزینه معاملاتی در شرکتهای بزرگ تعاونی

1. Vanek Jaroslav, 1969, Decentralization under worker management, American Economic Review, LIX (5)

2. Bogdanovski

3. Ghosh

4. Keeney & Kemp

5. Baumann

تولید کمتر است. از این زاویه، دفاع از خرده کشاورزان و جمع آوری آنها تحت یک سازمان اگرچه هزینه زاست اما منافع قابل توجهی برای آنها دارد.

شواهد مختلف در مورد کارکرد تعاونی‌های تولید بویژه در آسیا نشان می‌دهد که امروزه تعاونی‌ها به عنوان بنگاه‌های خصوصی نمی‌توانند به عنوان ابزاری در راستای سیاست‌های دولتی به کار گرفته شوند. بلکه تعاونی‌ها نهادهای مستقلی هستند که به دنبال ایجاد شرایط مطلوب و مولد برای سازماندهی تولید مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. از این زاویه، در عصر حاضر بازبینی جدی در رفتار و عملکرد تعاونی‌ها، مقررات زدایی فعالیت‌های آنان، سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و بهبود در کارآمدی آنها ضروری است. به عبارت دیگر، در هزاره جدید، نقش و وظایف تعاونی‌ها دگرگون شده است (Taimni, 2000).

در مطالعات داخلی، فعالیت تعاونی‌ها در ایران نیز به دو دوره قبل و بعد از اصلاحات ارضی باز می‌گردد. قبل از اصلاحات ارضی، فعالیت تعاونی‌ها محدود و منحصر به ایجاد و تقویت تعاونی‌های مصرف بوده است. با اجرای طرح اصلاحات ارضی، سیر تشکیل این تعاونی‌ها در جهت منافع نظام حاکم به خصوص در جوامع روستایی، رشد روزافزون یافت. پس از انقلاب نیز مسأله تعاونی‌ها مطرح و در اصل ۴۴ قانون اساسی به عنوان یکی از بخش‌های اقتصادی جای گرفت.

در مطالعات داخلی، عبداللهی (۱۳۷۷) نشان می‌دهد که شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی از نظر درگیری با مسائل حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارای کمترین مسأله هستند. نتایج بر حسب شدت مسائل حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در هر یک از نظام‌های بهره‌برداری، نشان می‌دهد که در شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی، ضعف بازاریابی، پایین بودن ظرفیت اشتغال و مسأله مالکیت، مسائل عمده بوده‌اند. در قسمت دیگر، رتبه بندی نظام‌های بهره‌برداری برحسب بالاترین رتبه، نشان داده شده که شرکت‌های تعاونی تولید و بویژه شرکت‌های تولید کشاورزی شامل شرکت‌های سهامی زراعی، شرکت‌ها و مزارع تجاری و شخصی، شرکت‌های کشت و صنعت در بالاترین مراتب قرار می‌گیرند. بنابراین، این بخش از تحقیق مذکور نشان می‌دهد واحدهای بهره‌برداری جمعی جدید بویژه شرکت‌های تولید کشاورزی یا تجاری به معنای عام کلمه و شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی کم مسأله‌ترین و از نظر بازدهی عوامل تولید، ارزش افزوده و حفظ محیط و سایر معیارهای عمده، مناسب‌ترین نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران به شمار می‌روند.

عبداللهی در مطالعه خود به رتبه‌بندی نظام‌های بهره‌برداری از لحاظ عملکرد با توجه به معیارهای ارزشیابی در سطح کشور و استان‌های نمونه پرداخته است. مطابق نتایج، هم در سطح کشور و هم در سطح اغلب مناطق، دو نوع نظام بهره‌برداری، یکی نظام بهره‌برداری تجاری اعم از شخصی، سهامی زراعی و کشت و صنعت و دیگری، نظام بهره‌برداری تعاونی شامل شرکت‌های تعاونی

تولید روستایی (غیر از مشاع‌ها)، دارای بالاترین میزان عملکرد بوده و لذا در مرتبه‌های اول و دوم قرار گرفته‌اند و برعکس نظام بهره‌برداری دهقانی و واحدهای مشاع دارای پایین‌ترین میزان عملکرد بوده و در پایین‌ترین مراتب جای گرفته‌اند.

طبق یافته‌های وی، بخش کشاورزی ایران در روند تحول ساختاری خود از کشاورزی سنتی به کشاورزی نوین و در گذار از نظامهای بهره‌برداری مرتبط با ساختار سنتی نظیر واحدهای خرد و دهقانی و تعاونی‌های سنتی و مشاع به نظامهای بهره‌برداری مرتبط با ساختار نوین یعنی نظام بهره‌برداری تجاری و تعاونی در قالب شرکتهای تعاونی تولید در سالهای اخیر، از توسعه‌ای به نسبت متوازن برخوردار بوده است. این امر متعاقب تحول کیفی یا نرم‌افزاری در ساختار کشاورزی و بویژه نظامهای بهره‌برداری پدید آمده است. این نتایج، ضرورت تغییرات ساختاری از طریق تغییر نظام بهره‌برداری و گذر از نظامهای بهره‌برداری سنتی چون دهقانی یا تعاونی‌های مشاع و حرکت به سوی نهادمندی نظامهای بهره‌برداری نوین و مناسب بویژه نظام بهره‌برداری تجاری و نظام بهره‌برداری تعاونی را تأیید می‌کند و دو نوع نظام بهره‌برداری تجاری و تعاونی تولید شامل شرکتهای تعاونی تولید روستایی، بهینه و مناسب شناخته شده‌اند.

قربانی و محمدیان (۱۳۸۴) در مطالعه‌ای بر اساس، سن و شغل اعضای تعاونی، میزان سهام و میزان درآمد سالانه نشان می‌دهد در روستاهایی که تعاونی تولید وجود دارد، سطح مشارکت به اندازه ۲/۱ واحد بیشتر از روستاهایی است که فاقد تعاونی‌اند. ضریب مربوط به متغیر سن نشان می‌دهد که با افزایش سن اعضای تعاونی مشارکت آنها نیز افزایش می‌یابد؛ زیرا کشاورزان بزرگتر و با درآمد بالاتر، کمتر به تعاونی‌ها نیاز دارند. افرادی که دارای شغل کشاورزی هستند، به دلیل اینکه از خدمات مالی (اعتبارات) و خدمات فنی (نهادهای کشاورزی) تعاونی‌ها استفاده می‌کنند، در تعاونی مشارکت بیشتری دارند. دلیل نبود روابط معنادار بین متغیر میزان تحصیلات و میزان مشارکت نیز این است که در نمونه مورد مطالعه، تنها ۱۱/۹ درصد از افراد، دارای تحصیلات عالی و دیگر افراد یا بی‌سواد و یا به طور عمده کم‌سواد هستند. بنابراین وجود تعاونی، بر مشارکت تأثیر مثبت دارد.

چوپانی (۱۳۷۹) نتیجه گرفته شرکتهای تعاونی در تأمین به موقع اعتبارات مورد نیاز اعضا موفق عمل نکرده‌اند که دلایل آن، کم‌توجهی در عمل به وظایف قانونی خود و پرداختن به کارهای جنبی عنوان شده است. نجفی (۱۳۵۷) نتیجه گرفته تشکیل شرکتهای تعاونی باعث افزایش درآمد اعضا، افزایش میزان سطح زیرکشت و افزایش عملکرد محصولات اصلی گردیده است. صفدری (۱۳۸۱) نقش شرکتهای تعاونی تولید روستایی را در بهبود وضعیت اقتصادی کشاورزان مثبت و

هدف‌های آن را شامل: یکپارچه سازی اراضی کشاورزی، افزایش درآمد، حفاظت از محیط زیست و حرکت به سوی توسعه پایدار می‌داند.

مطالعه عمانی و چیدری (۱۳۸۲) نشان داده بین میانگین دانش فنی اعضا، سطح مکانیزاسیون، سطح زمین کشت گندم، درآمد حاصل از محصول، کل زمین در مالکیت، عملکرد محصول، مشارکت اجتماعی و منزلت اجتماعی گندم کاران عضو و غیرعضو تعاونی تولید روستایی، اختلاف معنی داری مشاهده شده است. مطالعه آهنچی (۱۳۷۲) تاکید دارد که اگرچه تعاونی‌ها از نظر تعداد تشکل و زیر پوشش قراردادان گروه زیادی از کشاورزان موفق بوده‌اند ولی از نظر کیفی و مشارکت جمعی در فعالیت‌های اجرایی کشاورزی، ناموفق باقی مانده‌اند. بویژه شرکت‌های مورد بررسی در یکپارچه‌سازی اراضی و تشکیل گروه‌های کار زراعی، موفقیت پیش‌بینی شده‌ای را به دست نیاورده‌اند.

در مطالعات داخلی احمدی (۱۳۷۸) در بررسی عوامل موثر بر عضویت کشاورزان در تعاونی تولید روستایی استان فارس بین ویژگی‌های فردی، اقتصادی و منزلت اجتماعی با عضویت در شرکت‌های تعاونی تولید روستایی، رابطه معناداری یافته است. سعدی (۱۳۸۷) در کاهش چالش‌های تعاونی تولید کشاورزی بر کارآفرینی و ایجاد اشتغال در استان همدان، مهمترین چالش‌های تعاونی تولید در زمینه کارآفرینی را ضعف فرهنگ کارآفرینی و آموزش اعضا تعاونی و هیأت مدیره، نامناسب بودن زیر ساخت‌های سرمایه‌گذاری در محیط کسب و کار روستایی، کمبود سرمایه‌گذاری، پایین بودن انگیزه برای پیشرفت در جامعه روستایی وعدم حمایت مستمر و برنامه‌ریزی شده دولت و در مواردی، ایجاد وابستگی به دولت و نیز بی‌اعتمادی به اعضای هیئت مدیره تعاونی‌های تولید بوده است.

درویش نیا و صدیقی (۱۳۸۲) در استان مازندران بین میزان موفقیت شرکت‌های تعاونی تولید و رضایت مندی اعضا، مشارکت در برنامه‌های آموزشی و ترویجی، سطح درآمد اعضا، سطح زمین زراعی، تعداد قطعات زمین و کیفیت برنامه‌های آموزشی و ترویجی، رابطه مثبت و معناداری یافته‌اند. عمانی و چیدری (۱۳۸۲) تاثیر تعاونی‌های تولید روستایی بر ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی گندم کاران استان خوزستان را با توجه به دانش فنی اعضا، تکنولوژی تولید، سطح زیر کشت گندم به عنوان شاخصی از صرفه‌های مقیاس اقتصادی تولید، درآمد محصول، میزان زمین تحت مالکیت، عملکرد محصول، مشارکت اجتماعی و منزلت اجتماعی گندم کاران عضو و غیرعضو تعاونی تولید روستایی مطالعه و اختلاف معناداری بین اعضا و غیراعضا یافته است. قربانی و محمودیان (۱۳۸۴) در بررسی عوامل موثر بر مشارکت اعضا در مدیریت تعاونی روستایی استان

مازندران به این نتیجه رسیدند که در تعاونی ها، سن، شغل، میزان درآمد سالانه و سهام اعضا بر مشارکت آنان تأثیر مثبتی دارد.

در نقد پژوهش های داخلی تعاونی های تولید روستایی، اغلب این مطالعات چارچوب نظری قابل قبولی ندارند. از نظر روش شناسی (اعم از تعریف عملیاتی، مقیاس سازی، نمونه گیری و تکنیک های مورد استفاده در تجزیه و تحلیل داده ها) نیز دچار اشکال اند و اصول روش شناسی هم به طور دقیق در آنها رعایت نشده است. صرف نظر از متفاوت بودن معیارهای مورد توجه این مطالعات در ارزشیابی عملکرد تعاونی ها، روش مطالعه اغلب آنها (بجز مطالعه عبداللهی، ۱۳۷۷) غیر تطبیقی است. یعنی نه فقط عملکرد نظامهای بهره برداری تعاونی تولید را در مقایسه با سایر انواع نظامهای بهره برداری مورد ارزشیابی قرار نداده و نتوانسته اند تأثیر نوع و ویژگی های نظام بهره برداری را بر عملکرد آن مشخص نمایند، بلکه حتی عملکرد نظامهای مورد بررسی تعاونی تولید را در مناطق مختلف ایران با یکدیگر مقایسه نکرده اند تا نقش عوامل محیطی اعم از طبیعی و اجتماعی را در کم و کیف عملکرد آنها مورد توجه قرار دهند. مقیاس اندازه گیری و شاخص های مورد نظر برای تعریف عمومی عملکرد، بسیار متنوع و متفاوت است.

بدین سان هیچکدام از منابع موجود مربوط به تعاونی های تولید حاوی نتیجه ای جامع درباره عملکرد تعاونی ها نیست و این تحقیقات چنان پراکنده و غیرقابل مقایسه با یکدیگرند که از نتایج آنها هم نمی توان برآیندی به دست آورد تا براساس آن بتوان در مورد نظامهای تعاونی تولید روستایی قضاوتی معتبر از لحاظ علمی و ارزشمند از نظر عملی ارائه نمود.

۴. روش شناسی پژوهش

تعاونی های تولید به عنوان نهادی سازمان یافته بر مبنای همکاری متقابل می باشند که مشارکت جمعی و همکاری متقابل در افزایش تولید، بهره وری، اشتغال زایی، انباشت سرمایه، بسیج پس اندازها، آموزش و توزیع درآمد نقش مهمی دارند. تعاونی های تولید مانند واحدهای تولیدی بخش خصوصی، به دنبال کاهش هزینه تولید، افزایش درآمد، افزایش سطح رفاه و تقویت مشارکت در میان اعضا هستند. مشارکت در تعاونی ها موجب صرفه جویی مقیاس در تولید، افزایش سهم بازار، کاهش میزان خطرپذیری، هماهنگی در عرضه و تقاضای محصول، دسترسی به نهادهای مورد نیاز در زمان معین، انجام عملیات بازار محصول و دسترسی به اطلاعات بازار و تولید می شوند. در این زمینه می توان تولید تعاونی ها را تابع نهادهای تولید کار، سرمایه، مشارکت اعضا و مدیریت دانست.

$$X^{COR} = f(L, K, Par, Mem, \dots)$$

در تابع فوق XCOR تولید تعاونی، L نیروی کار، K سرمایه، Par میزان مشارکت اعضا و Mem عضویت فرد در تعاونی می‌باشد. از این نظر، ساختار تولید تعاونی به لحاظ سازمانی متفاوت با بخش خصوصی است. در بقیه موارد، نوعی هماهنگی و اشتراک میان فعالیت تعاونی و خصوصی به چشم می‌خورد. برای نمونه در تعاونی، سرمایه از طریق اعضا و تقسیم سود براساس مشارکت در تأمین سرمایه می‌باشد. مشارکت اعضا نیز در بهره‌وری و بازدهی تولید نقش خاص دارد که ارتباط متقابل میان اعضا را افزایش می‌دهد.

برخی مطالعات مشارکت اعضای تعاونی را تابعی از متغیرهای فردی و اقتصادی منظور نموده و به تبیین رفتارهای اقتصادی و اجتماعی حاکم بر تعاونی‌ها پرداخته است (Kraenzle, 1989). کرانزل در این خصوص متغیرهای اساسی را در تعاونی‌های آمریکا مطالعه نموده است. در مطالعه وی مشارکت اعضا در تعاونی تابع سن (age)، آموزش (Edu)، عضویت (Mem)، درآمد (Incom)، سطح زیرکشت (Kesht)، مزرعه (Farm) و سهم اعضا (Share) می‌باشد.

$$Pcor = P(\text{age}, \text{Edu}, \text{Mem}, \text{Incom}, \text{kesht}, \text{farm}, \text{share})$$

پرسش اصلی مطالعه حاضر، ارزیابی اثرات اقتصادی تعاونی‌های تولید در قالب متغیرهای بازدهی عوامل تولید، افزایش تولید، کاهش هزینه، اصلاح زیرساخت‌های کشاورزی، بهبود روش‌های عرضه محصول، پایداری محیط زیست در قالب استفاده مناسب از منابع، استفاده از ماشین‌آلات و تجهیزات جدید و اثرات اجتماعی در قالب مشارکت اعضا، نرخ مهاجرت روستایی، افزایش سطح آموزش و رضایت اعضا، در تعاونی‌های تولید است و فرضیه‌های زیر برای پاسخگویی به سؤالات فوق طراحی شده است

اثرات تعاونی‌های تولید از نظر اقتصادی و اجتماعی شامل بازده عوامل تولید، آب، زمین، نیروی انسانی، سطح و هزینه تولید، درآمد عضو، استفاده از تکنولوژی جدید، کمک به پایداری محیط زیست، اصلاح زیرساخت‌های فنی کشاورزی، اصلاح روش‌های عرضه محصول و از بعد اجتماعی، افزایش سطح رفاه، مشارکت و رضایت اعضا، سطح آموزش در تعاونی‌های استان‌های مختلف متفاوت بوده و با ویژگی‌هایی نظیر نوع و سابقه فعالیت، تعداد اعضا، اراضی تحت پوشش، نوع اقلیم و خاک، کمک‌های بلاعوض دولت و تسهیلات دریافتی، سرمایه و نوع مدیریت (خودگردان و غیرخودگردان) در ارتباط است.

دیدگاه‌های اعضای شرکت‌های تعاونی تولید در باره اثرات اقتصادی و اجتماعی شرکت تعاونی بر زندگی آنها متفاوت بوده و این تفاوت با متغیرهای سن، سواد، جنسیت، وضعیت تأهل، بعد خانوار، سابقه عضویت، منبع اصلی تأمین درآمد، وضعیت انجام فعالیت مورد نظر در قبل از عضویت، نحوه عضویت در تعاونی، آگاهی از وظایف تعاونی، و اعضا، حضور در مجمع عمومی، رابطه اعضا با

یکدیگر و مدیران عامل تعاونی ها، محل انجام فعالیت تعاونی نحوه تأمین نهاده های لازم برای تعاونی (ماشین آلات، نیروی کار، بذر و کود) وضعیت شرکت در دوره های آموزشی، میزان دریافت وام، نحوه فروش تولیدات، اشتغال و وضعیت دریافت دستمزد از تعاونی در ارتباط است: جامعه آماری تحقیق حاضر شامل بهره برداران عضو شرکت های تعاونی تولید در استانهای فارس، خراسان (رضوی، شمالی و جنوبی)، همدان، سمنان و گلستان و همچنین بهره برداران غیر عضو تعاونی های تولید در مناطق همجوار حوزه فعالیت تعاونی ها در استانهای مذکور می باشد. جامعه آماری بهره برداران عضو تعاونی های مذکور دارای ۱۲۱۹۵۰ نفر عضو می باشد. همچنین کل جامعه آماری بهره برداران غیر عضو این تعاونی ها، برابر با جامعه آماری بهره برداران عضو تعاونی ها یعنی حدود ۱۲۲ هزار نفر منظور شده است.

نمونه گیری این پژوهش از دو جامعه آماری بهره برداران عضو و غیر عضو تعاونی های تولید بر اساس نمونه گیری طبقه ای سهمیه ای و به صورت تصادفی انجام گرفته و بر اساس فرمول آماری کوکران، تعداد نمونه ها از جامعه آماری عضو و غیر عضو برابر و معادل ۲۱۲ نفر در هر کدام انتخاب شده، روش تحقیق به صورت توصیفی همبستگی و روش جمع آوری اطلاعات در پژوهش حاضر، تدوین و تکمیل پرسشنامه و مصاحبه با صاحب نظران، بوده، تحلیل داده ها در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام گرفته و در آمار توصیفی از آماره هایی نظیر درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار برای توصیف داده ها و در آمار تحلیلی به منظور مقایسه نظرات بهره برداران عضو و بهره برداران غیر عضو تعاونی تولید در خصوص ویژگی های اعضای از آزمون t استیودنت و همچنین در تحلیل روابط بین عضویت در تعاونی (متغیر مستقل) و ویژگی های اعضای (متغیر های وابسته) از آزمون کای دو استفاده شده است.

۵. تحلیل استنباطی وضعیت تعاونی های تولید و بهره برداران غیر عضو

در این قسمت، با توجه به فرضیه های پژوهش، به تجزیه و تحلیل داده های پرسش نامه در زمینه میانگین درآمد اعضای تعاونی، عملکرد تولید (به تفکیک زراعی، باغی و دامی، صنایع و شیلاتی)، سطح زیر کشت اراضی، بازدهی سرمایه، زمین و نیروی انسانی، سطح زندگی، میزان مهاجرت، مشارکت در امور تولیدی و اجتماعی، سطح رضایت از شغل کشاورزی، انجام کار برای دیگران بین بهره برداران عضو تعاونی تولید و بهره برداران غیر عضو پرداخته و از نظر آماری فرضیه های فوق آزمون می شوند. فرضیه های تحقیق عبارتند از:

فرضیه ۱

۱. بین میانگین درآمد اعضای تعاونی، عملکرد تولید (به تفکیک زراعی، باغی و دامی، صنایع و شیلاتی)، سطح زیر کشت اراضی، بازدهی سرمایه، زمین و نیروی انسانی و بهره برداران غیرعضو به عنوان گروه شاهد اختلاف معناداری وجود دارد :

$$H_0 : M_1 = M_2 \quad H_1 : M_1 > M_2$$

نتیجه	نتیجه آماری / رد یا تایید فرضیه	عنوان فرضیه
شرکت‌های تعاونی تولید از طریق تأمین نهاده‌های تولید (بذر، کود، سم و...) موجب افزایش درآمد اعضا شده اند. این افزایش عمدتاً ناشی از کاهش هزینه‌های تولید بوده است. نظر اعضای تعاونی‌ها نسبت به افزایش درآمد آنان از طریق فعالیت تعاونی‌ها در حد متوسط ارزیابی می‌شود. اعتقاد اکثر پاسخگویان غیر عضو این است که در صورت تشکیل تعاونی، درآمد آنان افزایش خواهد یافت.	الف- اختلاف معنی دار بین سطوح درآمد در دو گروه آزمایشی (اعضای تعاونی‌های تولید) و گروه شاهد (غیرعضوها) در سطح ۹۹ درصد (تایید فرضیه).	فرضیه ۱-۱ الف- بین درآمد اعضای تعاونی (گروه آزمایش) و بهره برداران غیرعضو (گروه شاهد) اختلاف معنی داری وجود دارد : $H_0 : M_1 = M_2 \quad H_1 : M_1 > M_2$ ب- اعضای شرکت‌های تعاونی، عملکرد آن را در این زمینه دخیل می‌دانند. ج- غیر عضوها نیز فکر می‌کنند در صورت تشکیل تعاونی درآمد شان افزایش خواهد یافت.
نقش تعاونی‌ها در افزایش عملکرد زراعی (تولید در واحد سطح) ضعیف بوده است. عملکرد در واحد سطح در دو گروه نزدیک به هم می‌باشد. این مساله از شیوه تولید یکسان در دو گروه مورد مطالعه ناشی می‌شود.	عدم اختلاف معنی دار عملکرد تولید محصولات زراعی در دو گروه عضو، (رد فرضیه).	فرضیه ۱-۲ عملکرد تولید (زراعت) در بین اعضای تعاونی (گروه آزمایشی) و بهره برداران غیرعضو (گروه شاهد) دارای تفاوت معنی داری است :
میانگین اراضی تحت پوشش اعضای تعاونی‌ها بیشتر از افراد غیر عضو بوده است. این مساله ناشی از خدمات تعاونی‌ها در ارتباط با تأمین نهاده‌های تولید و کمک به تأمین آب می‌باشد.	اختلاف معنی دار سطح اراضی زراعی در دو گروه آزمایشی (اعضای تعاونی‌های تولید) و گروه شاهد (غیرعضوها) در سطح ۹۲ درصد (تایید فرضیه).	فرضیه ۱-۳ سطح زیر کشت اراضی زراعی در بین اعضای تعاونی (گروه آزمایشی) و بهره برداران غیر عضو (گروه شاهد) دارای تفاوت معنی داری است:
بازدهی زمین در بین اعضای تعاونی‌ها (گروه آزمایشی) بیشتر از پاسخگویان غیر عضو بوده است. این مساله می‌تواند ناشی از خدمات تعاونی‌های تولید می‌باشد.	بازدهی زمین در گروه آزمایشی ۳۹۱۸۳۹ تومان و گروه شاهد ۲۷۶۲۳ تومان بوده است.	فرضیه ۱-۴ به نظر می‌رسد بازدهی زمین در بین اعضای تعاونی (گروه آزمایشی) بیشتر از بهره برداران غیر عضو (گروه شاهد) باشد:
بازدهی نیروی کار در بین اعضای تعاونی‌ها (گروه آزمایشی) بیشتر از پاسخگویان غیر عضو بوده است. این مساله ناشی از خدمات تعاونی‌ها در زمینه نهاده‌های تولید می‌باشد.	بازدهی نیروی کار در گروه آزمایشی ۲۰۱۰۸۵۳ تومان و گروه شاهد ۱۲۰۷۹۳۷ تومان محاسبه شده است.	فرضیه ۱-۵ به نظر می‌رسد بازدهی نیروی انسانی در بین اعضای تعاونی (گروه آزمایشی) بیشتر از بهره برداران غیر عضو (گروه شاهد) باشد :
هدف تولید (محصولات زراعی)، هم در بین پاسخگویان عضو و هم، غیر عضو عمدتاً فروش بوده است. این مساله حکایت از تولید تجاری در کشاورزی دارد. تولید به قصد تجارت در بین پاسخگویان عضو نسبت به غیر عضوها بیشتر بوده و این امر می‌تواند در ارتباط با فعالیت تعاونی‌های تولید حاصل شده باشد.	عدم تفاوت معنادار در هدف تولید در بین دو گروه آزمایشی و شاهد دارای (رد فرضیه).	فرضیه ۱-۶ هدف تولید (مصرف -فروش) در بین بهره برداران عضو تعاونی (گروه آزمایشی) تفاوت معنی داری با غیر عضوها (گروه شاهد) دارد.

فرضیه ۲

۲. بین بهره برداران عضو تعاونی و بهره برداران غیر عضو، از نظر سطح زندگی، میزان مهاجرت، میزان مشارکت در امور تولیدی و اجتماعی، رضایت از کشاورزی و انجام کار برای دیگران، تفاوت معناداری وجود دارد.

$H_0: M_1=M_2$

$H_1: M_1>M_2$

۲-۱. با توجه به جدول (۱۰)، احتمال پذیرش فرضیه برابر با صفر و کمتر از یک درصد می باشد. بنابراین، بهره برداران عضو تعاونی از نظر تفاوت در سطح زندگی با بهره برداران غیر عضو در سطح ۹۹ درصد دارای اختلاف معناداری هستند. سطح زندگی در بین گروه های مورد مطالعه با استفاده از شاخص گذاری (صفر و یک) برای هریک از شاخص های مبل، میز نهار خوری، تلویزیون، ماشین لباسشویی، یخچال، فریزر، ویدئو، کولر و جارو برقی انجام گرفته است.

در جدول (۲) سطح زندگی در تعاونی های تولید و بهره برداران غیر عضو مقایسه شده است. از مجموع ۱۹۶ نفری که دارای سطح زندگی پایین بوده اند، ۱۲۵ نفر معادل ۶۳/۸ درصد مربوط به بهره برداران غیر عضو و ۷۱ نفر معادل ۳۶/۲ درصد مربوط به اعضای تعاونی های تولید بوده است. به این معنا که در نمونه مورد بررسی، افراد با سطح زندگی پایین، بیشتر در میان بهره برداران غیر عضو مشاهده شده است. در میان ۳۴۳ نفر با سطح زندگی متوسط، ۱۵۷ نفر معادل ۴۵/۸ درصد مربوط به بهره برداران غیر عضو و ۱۸۶ نفر معادل ۵۴/۲ درصد مربوط به گروه عضو تعاونی های تولید بوده است. یعنی افراد دارای سطح متوسط زندگی بیشتر عضو تعاونی تولید بوده اند.

همچنین از مجموع ۶۱ نفر با سطح زندگی بالا، ۱۸ نفر معادل ۲۹/۵ درصد مربوط به بهره برداران غیر عضو و ۴۳ نفر معادل ۷۰/۵ درصد مربوط به اعضای تعاونی تولید، بوده اند. در مجموع، اعضای تعاونی تولید سطح زندگی بهتری نسبت به غیر اعضا داشته اند. سطح زندگی در قالب برخورداری از امکانات رفاهی بهتر و مطلوبتر سنجش شده است.

۲-۲. بین بهره برداران عضو تعاونی و غیر اعضا از نظر میزان مهاجرت به شهر، تفاوت معناداری وجود دارد. چون آماره احتمال فرضیه H_0 در جدول فوق کمتر از یک درصد می باشد بنابراین، میزان مهاجرت بین بهره برداران عضو و غیر عضو تعاونی در سطح ۹۹ درصد دارای تفاوت معناداری است.

یافته های حاصل از پژوهش حاضر نشان می دهد که تعاونی های تولید، سهم بیشتری از مهاجرت های پایین را به خود اختصاص داده اند. ۶۲/۷ درصد مهاجرت های پایین مربوط به اعضای تعاونی های تولید و ۳۷/۳ درصد آن مربوط به بهره برداران غیر عضو بوده است. در میان ۲۶۳ نفر عضو تعاونی تولید و بهره برداران غیر عضو که سطح مهاجرت در آنها پایین بوده است،

تعاونی‌های تولید در مهاجرت‌های پایین سهم بیشتری داشته‌اند. در صورتی که این سهم در بهره برداران غیر عضو بسیار پایین‌تر بوده است. $34/5$ درصد مهاجرتها ی متوسط (بین یک تا دو نفر) مربوط به اعضای تعاونی‌های تولید و $65/5$ درصد آن مربوط به بهره‌برداران غیر عضو (از میان 258 نفر عضو و غیر عضو) بوده است. همچنین، از بین 79 نفر عضو و غیر عضو تعاونی تولید که دارای سطح مهاجرت بالا بوده‌اند $58/2$ درصد مربوط به اعضای تعاونی تولید و $41/8$ درصد مربوط به غیر اعضا بوده است. بنابر این، اعضای تعاونی تولید نسبت به بهره‌برداران غیر عضو، مهاجرت کمتری داشته‌اند.

۲-۳. بین بهره‌برداران عضو و غیر عضو تعاونی از نظر میزان مشارکت در امور تولیدی و اجتماعی، تفاوت معناداری وجود دارد.

با توجه به اینکه آماره احتمال پذیرش فرضیه H_0 در جدول فوق کمتر از یک درصد می‌باشد، بنابراین بین بهره‌برداران عضو و غیر عضو تعاونی از نظر میزان مشارکت در امور تولیدی و اجتماعی در سطح 99 درصد اختلاف معناداری وجود دارد. مشارکت، یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی اعضای تعاونی تولید است که نشان می‌دهد تا چه اندازه تعاونی‌های تولید در افزایش مشارکت اعضا نقش داشته‌اند. در نمونه مورد بررسی از میان 255 نفر عضو تعاونی‌های تولید و بهره‌برداران غیر عضو $70/2$ درصد اعضای تعاونی‌های تولید دارای مشارکت بالا بوده‌اند. این رقم در مورد بهره‌برداران غیر عضو $29/8$ درصد است. از بین 333 نفر (عضو و غیر عضو تعاونی‌های تولید) با سطح مشارکت متوسط، $32/7$ درصد مربوط به اعضای تعاونی‌های تولید و $67/3$ درصد مربوط به بهره‌برداران غیر عضو بوده است. همچنین، از بین 12 نفر (عضو و غیر عضو تعاونی تولید) با سطح مشارکت پایین، همگی مربوط به اعضای تعاونی تولید بوده‌اند. در مجموع، اعضای تعاونی‌های تولید نسبت به بهره‌برداران غیر عضو، مشارکت بیشتری در امور تولیدی و اجتماعی داشته‌اند.

۲-۴. الف) بین عضویت در تعاونی تولید و رضایت از کشاورزی، ارتباط معناداری وجود دارد. ب) این رضایت در بین کشاورزان عضو تعاونی، معطوف به جنبه‌های اقتصادی ولی در بین کشاورزان غیر عضو، معطوف به جنبه‌های معیشتی است.

۲-۵. بین بهره‌برداران عضو تعاونی و بهره‌برداران غیر عضو از نظر انجام کار برای دیگران، تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه میزان P در جدول فوق برابر با $0/243$ و این مقدار بیشتر از 5 درصد می‌باشد بنابراین اختلاف بین انجام کار برای دیگران در بین بهره‌برداران عضو و غیر عضو تعاونی در سطح 95 درصد معنادار نمی‌باشد.

رضایت از فعالیت کشاورزی از دیگر موضوعات مهمی است که در مطالعه حاضر مورد ارزیابی قرار گرفته است. هدف از طرح این سؤال، اجباری و معیشتی بودن فعالیت کشاورزی بین اعضای

تعاونی های تولید و سنجش مقایسه ای آن با بهره برداران غیر عضو بوده است. این پرسش نظر و دیدگاه اعضای تعاونی تولید را از نظر مقیاس تولید، رضایت از درآمد کشاورزی، نگاه خود مصرفی یا تجاری به فعالیت کشاورزی را منعکس می کند.

بر اساس اطلاعات جدول (۵)، در میان ۵۳۵ نفر عضو و غیر عضو تعاونی های تولید که از شغل خود رضایت داشته اند، ۴۸ درصد مربوط به اعضای تعاونی تولید و ۵۲ درصد مربوط به غیر اعضا بوده است. از بین ۳۳۳ نفر عضو و غیر عضو تعاونی های تولید که از شغل خود رضایت نداشته اند ۶۱ درصد مربوط به اعضای تعاونی های تولید و ۳۹ درصد مربوط به غیر اعضا بوده است. در بررسی این موضوع که چرا تعاونی های تولید نقش مؤثری در جلب رضایت اعضا نسبت به شغل کشاورزی نداشته اند، دلایل رضایت بین اعضا و غیر اعضا مورد پرسش واقع گردید که درصد فراوانی آن در جدول (۶) درج شده است.

میزان رضایت از کشاورزی در بین بهره برداران عضو و غیر عضو را می توان اساسا در وابستگی آنها به کشاورزی از جنبه های معیشتی دانست. در بین اعضای تعاونی تولید ۵۰/۳ درصد و در بین بهره برداران غیر عضو ۶۳ درصد، علت رضایت از شغل کشاورزی را تأمین معیشت دانسته اند. عادت به کار کشاورزی و نداشتن شغل دیگر و علاقه مندی از جمله سایر دلایل بوده است.

نکته قابل توجه در علت یابی این موضوع، صرفه اقتصادی است که درصد آن در بین اعضای تعاونی تولید ۵/۳ درصد و در بین غیر اعضا ۲/۳ درصد بوده است. به عبارت دیگر، رضایت از کشاورزی در بین بهره برداران عضو تعاونی تولید، بیشتر به لحاظ اقتصادی و تلقی آن به عنوان منبع اقتصادی، بوده است و تعاونی های تولید در گرایش کشاورزان به تلقی آنها از کشاورزی به عنوان منبع اقتصادی، موثرتر بوده اند. بر این اساس، بین بهره برداران عضو تعاونی تولید و بهره برداران غیر عضو از نظر میزان رضایت از کشاورزی، تفاوت چندانی وجود نداشته است.

۲-۶. بین بهره برداران عضو تعاونی و بهره برداران غیر عضو، از نظر استفاده از کار دیگران (نیروی کار خارج از خانوار) در تولید، تفاوت معناداری وجود دارد.

$H_0: M_1 = M_2$

$H_1: M_1 > M_2$

با توجه به اینکه آماره احتمال پذیرش فرضیه H_0 در جدول فوق کمتر از یک درصد می باشد، بنابراین بین بهره برداران عضو و غیر عضو تعاونی تولید از نظر استفاده از کار دیگران در تولید، در سطح ۹۹ درصد اختلاف معناداری وجود دارد.

انجام کار در میان بهره برداران عضو و غیر عضو در جدول (۸) نشان می دهد اختلاف قابل توجهی بین بهره برداران عضو تعاونی و بهره برداران غیر عضو از نظر انجام کار برای دیگران وجود ندارد.

اطلاعات جدول بیانگر اختلاف استفاده از کار دیگران در تولید بین بهره برداران عضو و غیر عضو تعاونی است.

در مجموع بررسی حاصل از داده های مبتنی بر پرسش نامه نشان می دهد که تعاونی های تولید، نقش مهمی در توسعه اجتماعی اعضاء بخصوص در زمینه کاهش مهاجرت روستاییان، تقویت روحیه مشارکت در بین اعضاء، جذب نیروی کار خارج از خانوار و سوق دادن کشاورزی سنتی به سمت کشاورزی مدرن داشته است. از طرف دیگر، با توجه به اینکه توسعه اجتماعی نیروی انسانی پیش شرط و مقدم بر رشد و توسعه اقتصادی در هر زمینه ای است، تعاونی های تولید می توانند با تاثیرگذاری در توسعه اجتماعی اعضاء، زمینه رشد و شکوفایی اقتصادی جامعه روستایی و کشاورزی را تسریع کنند.

در بررسی معناداری ارتباط بین عضویت در تعاونی تولید و میزان رضایت از کشاورزی از آزمون کای اسکور استفاده شده است. با توجه به اطلاعات جداول فوق، سطح معناداری ارتباط بین عضویت در تعاونی و میزان رضایت از کشاورزی ۵ درصد است. بین عضویت در تعاونی تولید و میزان رضایت از شغل کشاورزی، ارتباط معناداری وجود ندارد. اعداد به دست آمده در ضرایب فی و (Phi) و کرامرز (Cramers V) موید نبود چنین ارتباطی است. برای آزمون معنادار بودن ارتباط بین عضویت در تعاونی و میزان بدهکاری از آزمون کای اسکور استفاده می کنیم: بر اساس اطلاعات به دست آمده از جدول فوق، مقدار خی دو (کای اسکور)، برابر ۲۱/۷ بوده که بیشتر از خی دو مندرج در جدول استاندارد است.

جدول ۱. آزمون معنادار بودن متغیرهای الگو در شرایط برابری واریانس بر اساس آماره های t و f

شرح متغیرها	آماره F	سطح معناداری	آماره t	درجه آزادی	وضعیت معناداری
سطح زندگی	۱۳/۷۳	۰/۰	۵/۳۶	۵۹۸	+
میزان مهاجرت	۲۹/۵۶	۰/۰	-۳/۲۲	۵۹۸	+
میزان مشارکت	۷۳/۰۹	۰/۰	-۷/۳۰	۵۹۸	+
انجام کار برای دیگران	۷۳/۰۹	۰/۰	-۷/۳۰	۵۹۸	+
استفاده از کار دیگران در تولید	۸/۳۸	۰/۰۴	۴/۲۰	۵۹۸	+

مأخذ: داده های تحقیق

جدول ۲. ارتباط بین عضویت در تعاونی تولید و میزان رضایت از کشاورزی با استفاده از آزمون کای دو

شرح	Pearson Chi-Square	مقدار	درجه آزادی	آماره دوطرفه
ارتباط بین عضویت در تعاونی تولید و میزان رضایت از کشاورزی	Pearson Chi-Square	۳/۸۸	۱	۰/۴۹
Phi	۰/۰۸۰	---	---	۰/۴۹
Cramers V	-۰/۰۸۰	---	---	۰/۴۹
ارتباط بین عضویت در تعاونی تولید و میزان بدهکاری	Pearson Chi-Square	۷/۲۱	۲	۰۰/۰۰۰
Phi	۰/۱۹۰	---	---	۰/۰۰۰
Cramers V	۰/۱۹۰	---	---	۰/۰۰۰

مأخذ: داده های تحقیق

همان طور که مشاهده شد سطح زندگی بهره برداران عضو تعاونی تولید در استانهای مورد بررسی، بهتر از بهره برداران غیر عضو می باشد. بخشی از این تفاوت مربوط به خدمات تعاونی های تولید بویژه در ارتباط با تامین نهاده های تولید می باشد. علاوه بر این، میزان مهاجرت بهره برداران عضو تعاونی کمتر از بهره برداران غیر عضو می باشد. این امر در نتیجه خدماتی است که تعاونی های تولید به افراد تحت پوشش خود ارائه می دهند. همچنین، میزان مشارکت در امور تولیدی و اجتماعی در بهره برداران عضو تعاونی، بیشتر از بهره برداران غیر عضو بوده است. یکی از دلایل بالا بودن سطح مشارکت در بین اعضای تعاونی نسبت به غیر اعضا، مشارکت آنان در مجامع عمومی تعاونی های تولید بوده است.

به طور کلی تعاونی های تولید با ایجاد سازوکارهای جمعی در فرایند تصمیم گیری موجب همکاری، مشارکت و ارتباط نزدیک تولید کننده ها باهم شده اند. در واقع، این فرایند باعث شده است که اعضای تعاونی ها در امر کشاورزی و مسائل و مشکلات آن با هم برنامه های جمعی داشته باشند. میزان رضایت از کشاورزی در بین بهره برداران عضو تعاونی و بهره برداران غیر عضو، تفاوت معناداری نداشته است. به دلیل یکی بودن شیوه تولید در دو گروه مورد مطالعه، رضایت از کشاورزی علی رغم اینکه در هر دو گروه در سطح بالا بوده است ولی دارای تفاوت معناداری نیست. در صورت تفاوت در شیوه تولید، نوع نگرش به کشاورزی نیز متفاوت می شود. نگرش به کشاورزی و رضایت از آن در شرایط شیوه تولید سنتی از زاویه معیشت و در کشاورزی مدرن از زاویه فروش و درآمد است. انجام کار برای دیگران در بین بهره برداران عضو و غیر عضو تعاونی دارای تفاوت معناداری نیست. عدم اختلاف معنادار در انجام کار برای دیگران بین دو گروه مورد مطالعه نیز تحت

تأثیر همانندی شیوه تولید است. استفاده از کار دیگران در تولید، در بین بهره برداران عضو و غیر عضو تعاونی دارای تفاوت معنادار است.

می توان نتیجه گرفت که تعاونی های تولید در تغییر وضعیت بهره برداران آن چنان تأثیری را داشته اند که آنها قادر به جذب نیروی کار خارج از خانوار در امر کشاورزی شده اند. این فرایند می تواند از گامهای اولیه به سوی کشاورزی مدرن به حساب آید.

۶. آسیب شناسی تعاونی های تولید

یافته های حاصل از این پژوهش، نشان می دهد که تعاونی های تولید در ایران به رغم مشکلات موجود که برخی ناشی از محیط کسب و کار و برخی به خاطر سیاست های دولت و برخی ناشی از کارکرد درونی این نهادها می باشد در مجموع بهره برداران عضو آنها در استانهای مورد بررسی در نمونه گیری از نظر اثر گذاری در سطح زندگی بهره برداران عضو، ارائه خدمات، جلوگیری از مهاجرت اعضاء ترغیب مشارکت بیشتر بهره برداران عضو در امور تولیدی، اقتصادی و اجتماعی و جذب نیروی کار در قالب استفاده از کار دیگران، دارای وضعیت بهتری بوده اند. اما از نظر میزان رضایت از فعالیت کشاورزی، تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نمی شود. جذب نیروی کار نیز بین دو گروه از نظر آماری معنادار نبوده است. این نتیجه از یافته های فوق مستفاد می شود که فعالیت های تعاونی تولید در بخش کشاورزی به دلایل گوناگون در جلب رضایت بهره برداران با دشواری هایی مواجه بوده است. بخشی از این موضوع به معیشتی بودن فرایند تولید در این تعاونی ها و از هم گسیختگی اراضی و اندازه کوچک آنها ناشی می شود.

به رغم تحولاتی که در تعاونی های تولید از نظر استفاده از تکنولوژی های جدید در فرایند تولید صورت گرفته و این تغییرات آثار مثبتی بر جای گذاشته اند اما تا رسیدن به وضعیت مطلوب از نظر افزایش کارایی، بهبود در مدیریت و تغییر نگاه به فعالیت های تولید در بخش کشاورزی از حالتی سنتی به مدرن و تغییر ساختاری چنین نهادهایی که ریشه ای عمیق در بخش کشاورزی ایران دارد، شکاف قابل ملاحظه ای مشاهده می شود که از طریق غلبه بر موارد ذیل تحقق می یابد.

الف) مقابله با تنگناهای درونی کشاورزی ایران

کشاورزی ایران دارای تنگناهای درونی است که در دوره‌های تاریخی ساختارمند شده است. این تنگناها که به شکل تاریخی حاصل شده، شرایطی را به وجود آورده که شکوفایی کشاورزی را با تکیه بر نیروهای درون خود، دشوار نموده است. کمبود آب و خرده مالکی، دو عنصر اساسی این تنگنا می باشد. ترکیب این دو موجب شده تا دگرگونی از درون نظام بهره برداری کشاورزی به کندی صورت گیرد. لذا در صورت ضعف سیاست های دولت، کشاورزی بیش از پیش در مسیر فقر و تجزیه می افتد؛ تجزیه خانوار و تجزیه زمین. در همین راستا، تقویت و اصلاح نهادهای تولید از جمله تعاونی تولید ضرورت می یابد. به بیان دیگر، نظام بهره برداری و شیوه تولید غالب در عرصه تعاونی‌های تولید عمدتاً مبتنی بر شیوه دهقانی است. چون این شیوه فاقد نیروی لازم برای دگرگونی از درون است، لذا تعاونی های تولید که در واقع عنصر بیرونی نظام تلقی می شوند، به دلیل ضعف، رو به تحلیل می روند.

مهمترین هدف تعاونی های تولید بر اساس قانون تعاونی نمودن تولید، یکپارچه سازی اراضی است. یکپارچه سازی اراضی به دلیل تضادهای موجود بویژه مساله تبدیل ملک به سهم، که ماهیتاً جامعه کشاورزی با آن روبرو است و همچنین محدودیت منابع مالی و اعتباری در این زمینه به طور یکباره تحقق پذیر نیست. ارزیابی فعالیت تعاونی های تولید بر مبنای انتظار حداکثری از آن (یکپارچه سازی اراضی) بدون سازگاری با دیگر اهداف، این تعاونی ها را دچار چالش های جدی و کاهش انگیزه نموده است. نظام بهره برداری کشاورزی ایران به دلایل فراوانی که بسیاری از آنها به عوامل بیرون از نظام تولید مرتبط است، فرایندی را تجربه می کند که مسیر آن خلاف جهت یکپارچه سازی اراضی است. تجزیه و خرد شدن مجدد اراضی کشاورزی، مهمترین مصادیق این فرایند می باشد. مجموع این فرایند به معنای گریز از یکپارچه سازی اراضی است.

ب) ضرورت اصلاح رویکرد دولت به تعاونی های تولید

تشکیل تعاونی های تولید را می توان نتیجه بستریهایی دانست که اصلاحات ارضی ایجاد کرد. خرد شدن اراضی کشاورزی ایران یکی از نتایج اصلاحات ارضی بود. رها سازی این بهره برداری ها بدون سرمایه، امکانات و مدیریت تولید، منجر به کاهش محصولات کشاورزی گردید. به هم ریختن سازمان های سنتی جمعی تولید و جایگزین نشدن نهادی مناسب، به اتلاف منابع و کاهش درآمد بهره برداران انجامید. شرایط جدید ناشی از تحولات در جامعه روستایی، شکل گیری شیوه های نوین را در سازماندهی روابط تولیدی ضروری ساخته بود. در این رابطه دولت سعی کرد با راه اندازی

شرکت‌های سهامی زراعی، شرکت‌های تعاونی تولید روستایی (کشاورزی) و کشت و صنعت‌ها بر مشکل کشت در قطعات کوچک و کمبود سرمایه و امکانات فنی فائق آید.

از سال ۱۳۶۸ تحرک جدیدی در تشکیل تعاونی‌های تولید به وجود آمد. تشکیل این تعاونی در سالهای اولیه کند ولی در سالهای ۷۶-۱۳۷۴ روند افزایشی داشت. این دوره را می‌توان سالهای پایه برای تاسیس تعاونی دانست. حدود ۸۰ درصد از تعاونی‌ها در طی این سه سال تشکیل شدند. این فرایند نشانگر گرایش یکباره به تشکیل تعاونی‌های تولید در کشور است. می‌توان چنین استنباط کرد که تشکیل تعاونی‌های تولید در بهره‌برداری‌های کشاورزی ایران به شدت تحت تأثیر تصمیمات دولت بوده و به دلیل کمبود امکانات، خدمات، کمکها، سازماندهی تعاونی‌ها در اجرا و همین‌طور زمان کم، از ابتدا نیز در چالش قرار داشته و در واقع سرعت تشکیل، از سرعت سازماندهی بیشتر بوده است.

در چارچوب قانون تعاونی نمودن تولید، مهمترین مؤلفه در تشکیل تعاونی‌های تولید، فرض حضور دولت در مدیریت تعاونی‌های تولید و مهمترین هدف تعاونی، یکپارچه‌سازی اراضی و یکپارچه‌سازی اراضی نیز به عنوان مهمترین هدف تعاونی‌های تولید به دلیل تضادی که ماهیتاً در تبدیل مالکیت به سهم داشت، از همان ابتدا دارای چالش جدی بود.

فرض حضور دولت در ارکان تعاونی‌های تولید به‌طور زود هنگام با جایگزینی گفتمان‌های مبتنی بر فعال کردن مردم طی سالهای اخیر، با تردید روبرو شد. خودگردانی سریع تعاونی‌های تولید در دوره گذشته (۱۳۸۰ الی ۱۳۸۴) را می‌توان اقدام قاطعی در این باره تلقی نمود که به زعم برخی از مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره تعاونی‌های تولید، یکباره، شوک مانند و زود هنگام بوده و با تحت تأثیر قرار دادن ساختار مدیریتی تعاونی‌های تولید در امور آنها، نوعی سرگشتگی ایجاد و تعاونی‌ها را در برابر مقوله مهمی چون یکپارچه‌سازی اراضی تنها گذاشته است. از دید مسئولان تعاونی‌های تولید، این اقدام نوعی برگشت به حالت عدم توجه به تعاونی محسوب می‌شود. فقدان شفافیت در برنامه‌های دولت در ارتباط با سازماندهی، تجهیز و توسعه تعاونی‌های تولید، الزام تعاونی‌های تولید به انجام امور دست و پا گیر، محدودیت مدیران در اختیارات لازم، از چالش‌های اساسی تعاونی‌های تولید است. تعاونی‌های تولید به غیر از یکپارچه‌سازی اراضی که اجرای آن در قالب حقوقی تعاونی دارای مسائلی است، قابلیت انجام کلیه هدفهای مندرج در قانون تعاونی نمودن تولید (از جمله تأمین نهادها، فروش و صادرات محصول، فرآوری و ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی، توسعه مکانیزاسیون و از این قبیل) را ندارند. تحقق یکپارچه‌سازی اراضی می‌تواند وضعیت تعاونی‌های تولید را تغییر دهد. در حال حاضر یکپارچه‌سازی اراضی با کمبود منابع مالی و آمادگی مردم مواجه است. حصول به شرایط ایده‌آل نیازمند زمان است. تجربه

دیگر کشورهای پیشرو نشان می دهد که در بستر نظام بهره برداری دهقانی، اول قالب تعاونی و سپس شرکت سهامی زراعی یا کشت و صنعت ها دارای موفقیت قابل توجهی بوده اند. علاوه بر یکپارچه سازی اراضی، کم و کیف خدمات نیز از مسائل اصلی تعاونی های تولید است. مولفه های خدمات عبارتند از: تهیه نهاده (اعم از بذر، کود و سم)، تأمین ماشین آلات مورد نیاز کشاورزان، فروش و غیره. کیفیت انجام هر کدام از عوامل فوق توسط تعاونی دارای کاستی هایی است (در حدود ۶۰ درصد بذر و کود و کمتر از ۵۰ درصد سم مورد نیاز کشاورزان توسط تعاونی تأمین می شود). در بسیاری از موارد، تعاونی های تولید جای مراکز خدمات نشسته اند، ولی سطح کارآیی آنها را ندارند.

ج) رفع چالش های مالی و کمبود سرمایه در تعاونی های تولید

یکی دیگر از مشکلات کشاورزی ایران، عدم امکان انباشت سرمایه از درون است. کشاورزی ایران از دو نظام تولید عمده دهقانی و نظام سرمایه داری - تجاری، تشکیل شده است. میانگین زمین در واحدهای سرمایه داری حدود ۲۲ هکتار و واحدهای دهقانی حدود ۲/۴ هکتار می باشد. با توجه به میانگین های برداشت محصول در واحد سطح، قیمت محصول، قیمت نهاده های تولید و همین طور با در نظر گرفتن مسائل فروش محصول، امکان انباشت سرمایه از درون نظام تولید کشاورزی ایران بسیار ضعیف است. در قسمت کشاورزی تجاری (حدود پانصد هزار واحد کشاورزی) تا حدودی (بسیار کم) امکان انباشت سرمایه وجود دارد؛ اما به محض حصول انباشت، به دلیل بسته بودن فضای کسب و کار و غلبه عناصر معیشتی و در پی سود بیشتر، به دیگر بخشها، عمدتاً فعالیت های واسطه گری در مناطق شهری، منتقل می شود. لذا این انباشت ها به مدد تمرکز و توسعه اراضی دهقانی و انباشت سرمایه در بخش نمی رود.

در بین بهره برداران دیگر (سه میلیون واحد دهقانی) نه تنها امکان انباشتی وجود ندارد، بلکه تولید کنندگان آن دچار نوعی تجزیه مجدد نیز می باشند. علت اینکه حدود ۴۱ درصد از مدیران عامل تعاونی های تولید اولین مشکل خود را کمبود سرمایه و منابع مالی عنوان نموده اند، این است که امکان تجهیز شرکت تعاونی تولید با منابع محدود و حق عضویت اعضا و توسعه فعالیت آن بر این مبنا وجود ندارد. تعاونی های تولید، سه راه برای تأمین سرمایه دارند: اعضا، دولت و انجام فعالیت های درآمد زا.

د) استقبال اندک از تعاونی های تولید

گرایش و استقبال مردم از تعاونی تولید با امکان دریافت پاداش (سود) از تعاونی در ارتباط است. هر چه تعاونی دارای جدیت و شفافیت بیشتری باشد، به همان میزان مردم نیز استقبال خوبی از آن خواهند داشت. علت استقبال اندک مردم از تعاونی ها، فقدان چشم انداز روشن از سطح سود دریافتی می باشد. دوم، به دلیل غلبه عناصر خرده مالکی بر اقتصاد کشاورزی ایران و وفور مصادیق این شیوه در عرصه های تعاونی های تولید، هنوز تولیدکننده ها از کشاورزی، تلقی فعالیت کامل اقتصادی ندارند؛ بلکه گرایش آنها به کشاورزی با رفع نیازهای معیشتی همراه است. در چنین شرایطی امکان استقبال از تعاونی به عنوان یک شکل اقتصادی ضعیف است.

۷. پیشنهاد برای سیاستگذاری

تقویت و توانمند سازی تعاونی های تولید، تلاش برای تغییر گرایش زمین از خرد شدن به بزرگ شدن در قالبهای حقوقی از جمله انجمن ها، مؤسسات غیر دولتی و اتاق فکر، گسترش خودگردانی تعاونی های تولید، تشکیل با مطالعه زمینه یابی و امکان سنجی ساده، کمک به توسعه منابع درآمدی در تعاونی های تولید در چارچوب کشاورزی مدرن، افزایش دوره های آموزشی در ارتباط با ارکان و اعضای تعاونی تولید، توسعه واحدهای مکانیزاسیون به منظور ارائه خدمات فنی و مهندسی بهینه و مدرن به اعضای تحت پوشش، ایجاد انگیزه در میان اعضاء از طریق ابزارهای لازم و کارآیی بیشتر و رسیدن به درآمدهای بالاتر از طریق بهره گیری ناشی از صرفه های اقتصادی تولید، استفاده از تکنولوژی های مدرن، گرایش به سمت تعاونی های مدرن و یکپارچه سازی اراضی از سیاست های مؤثر در بهبود ساختار حاکم بر تعاونی های تولیدی محسوب می شوند.

با توجه به نقش تعاونی های تولید در تغییر نگرش افراد از کشاورزی معیشتی به کشاورزی مدرن مبتنی بر فعالیت های اقتصادی و تجاری، فراهم سازی زمینه مشارکت اعضاء در امور تولیدی و اجتماعی، تخصیص اعتبار به فعالیت های آموزشی، ترویجی و مشارکتی در تعاونی های تولید روستایی، مشارکت روستاییان در یکپارچه نمودن اراضی زراعی، توصیه می شود تعاونی های مذکور اهداف اساسی خود را بر اساس فضای جدید کسب و کار مد نظر قرار داده و توان خود را در جهت کشت یکپارچه اراضی و در قالب های مدرن به کار گرفته تا عملکرد و درآمد و به تبع آن رشد در بخش کشاورزی بهبود یابد.

منابع و مآخذ

- احمدی، م. ت. (۱۳۷۷) بررسی عوامل موثر بر عضویت کشاورزان در تعاونی تولید روستایی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- درویش نیا، ص. (۱۳۸۲) ترویج شرکت های تعاونی تولید روستایی در استان مازندران.
- سعدی، ح. (۱۳۸۷) بررسی چالشهای تعاونی تولید کشاورزی در کارآفرینی و ایجاد اشتغال؛ تهران: اولین همایش ملی تعاون و کارآفرینی.
- عمانی، ا. و چیذری، م. (۱۳۸۲) تاثیر عضویت در تعاونی های تولید روستایی بر سطح ویژگی های فنی، اقتصادی و اجتماعی گندم کاران استان خوزستان؛ مجموعه مقالات اولین همایش نظام های بهره برداری کشاورزی در ایران: چالش ها و چاره ها؛ تهران: دفتر مطالعات و طراحی نظامهای بهره برداری.
- قربانی، م؛ و محمدیان، ف. (۱۳۸۴) عوامل موثر بر مشارکت اعضاء در مدیریت تعاونی های روستایی استان مازندران: کاربرد الگوی تربیت؛ فصلنامه بانک کشاورزی،
- کلانتری، خ. (۱۳۸۲). پردازش و تحلیل داده ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی. انتشارات دانشگاه صنعتی شریف، تهران
- Arnott, Richard and Joseph E. Stiglitz (1988) 'The Basic Analytics of Moral Hazard; Scandicawian Journal of Economic 90 (3), 383-413.
- Axelord, R. (1984) The Evaluation of Corporation; New York: Basic Books
- Coas, R. (1960) The Problem of Social Cost; Journal of land Economics, Vol. 3, Oct, 1-44.
- Elhna, E. (2003) Rural Development Cooperation: Learning from Finland International Project and Programs; Helsinki: Hakapainooy.
- Kreanzle, C. (1989) Farmers Co-operative Members and Use Research Report; Washington D. C: USDA.
- Sen. , A. (1966) Labor Allocation in Cooperative Enterprise; Review of Economic Studies, xxx III (4) , No 96, October, 73-361.
- Taimini, K. (2000) Cooperative in ASIA; ILO, PP. 56.
- Rokholt, P. O. (1999) Strengths and Weakness of the Co- operative form: A Matter of Perspective Opinion. Paper Presented at the ICA International Research Conference, Quebec, and 28-29 August 1999.
- Ollila, P. (1994) Farmer's Cooperative as Market Coordinating Institutions; Annals of Public and Cooperative Economics, Vol. 65, No. 1, 81-102.